

مصوبه مجلس : لایحه اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب

نتیجه	مصوبه فعلی	قانون سال ۱۳۷۳
<p>۱۷۲ ۱۵۹</p> <p>شروع</p> <p>مجلس شورای اسلامی</p> <p>هرگز - دادرسی ایران</p>	<p>ماده واحده - قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب - مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ به شرح ذیل اصلاح می گردد :</p> <p>۱- ماده (۱) به شرح ذیل اصلاح می شود :</p> <p>ماده ۱- دادگاههای بدوی دادگستری به دادگاههای عمومی و اختصاصی تقسیم می شوند. دادگاههای عمومی صلاحیت رسیدگی به کلیه دعاوی را دارند مگر آنچه را که قانون استثناء کرده است و دادگاههای اختصاصی صلاحیت رسیدگی به هیچ دعوائی را ندارند ، مگر آنچه را که قانون تصریح کرده باشد . دادگاه نظامی دادگاه اختصاصی است .</p> <p>۲- ماده (۳) و تبصره های (۲) و (۳) آن بشرح زیر اصلاح و یک تبصره به عنوان تبصره (۴) به آن الحاق می گردد :</p> <p>ماده ۳- در هر حوزه قضائی که دادگاه عمومی تشکیل شده یا بشود یک دادسرا نیز در معیت آن تشکیل می گردد . تشکیلات دادگستری در حدود صلاحیت وظایف و اختیارات دادسرای مذکور که (( دادسرای عمومی و انقلاب )) نامیده می شود ، تا زمان تصویب آئین دادرسی مربوطه که حد اکثر شش ماه پس از تصویب این قانون خواهد بود ، بر طبق قانون اصول محاکمات جزائی و اصلاحات بعدی آن قانون امور حسبی و سایر قوانین می باشد .</p> <p>تبصره ۲- رسیدگی به جرائم داخل در صلاحیت دادگاههای نظامی از شمول این قانون خارج است و در دادسرا و دادگاه نظامی انجام می شود .</p> <p>تبصره ۳- جرائمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال می باشد و جرائم اطفال مستقیماً در دادگاههای مربوط مطرح می شود و دادسرا در این موارد دخالتی ندارد .</p> <p>تبصره ۴- با اجرای این قانون کلیه پروندههای موضوع تبصره (۱) ماده (۴) در هر مرحله ای که باشند جهت ادامه رسیدگی به دادگاه کیفری استان مربوطه ارسال و سایر پرونده های موجود کماکان در همان دادگاه و بدون نیاز به کیفر خواست رسیدگی و صدور حکم خواهد شد .</p> <p>۳- ماده (۴) به شرح زیر اصلاح و یک تبصره به آن الحاق می شود :</p> <p>ماده ۴- هر حوزه قضائی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی جزائی تقسیم می شوند . دادگاههای حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاههای جزائی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود .</p>	<p>۱۷۲ ۱۵۹</p> <p>ماده ۱- به منظور رسیدگی و حل و فصل به کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضائی واحد ، دادگاههای با صلاحیت عام به شرح مواد آتیه تشکیل می شوند .</p> <p>ماده ۳- با تأسیس دادگاههای عمومی در هر حوزه قضائی رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزائی و امور حسبی به لحاظ قلمرو محلی با دادگاههای مذکور خواهد بود .</p> <p>تبصره ۱- حوزه قضائی عبارتست از قلمرو یک بخش یا شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ .</p> <p>تبصره ۲- رسیدگی به اموری که به حکم قانون به مرجع دیگری واگذار شده از دائره شمول این قانون خارج است .</p> <p>تبصره ۳- حاکم دادگاه عمومی در دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق در صورتی صلاحیت رسیدگی دارد که اجازه مخصوص از طرف رئیس قوه قضائیه داشته باشد .</p> <p>ماده ۴- به رئیس قوه قضائیه اختیار داده می شود در هر حوزه قضائی که لازم باشد به لحاظ نوع دعاوی و تجربه و تبحر قضات هر یک از قضات دادگاه عمومی را به رسیدگی به دعاوی : حقوقی ، کیفری ، احوال شخصیه و امثال آن اختصاص دهد .</p>

نتیجه	موضوعه فعلی	قانون سال ۱۳۷۳
<p>۳ ۷۵ مجلس شورای وزرا</p>	<p>تخصیص شعبی از دادگاههای حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزائی خاص مانند امور خانوادگی و جرائم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه است .</p> <p>در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزائی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزائی ارجاع شود .</p> <p>تبصره ۱- رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکر می شود در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد .</p> <p>رسیدگی به کلیه اتهامات اعضاء مجمع تشخیص مصلحت نظام ، شورای نگهبان نمایندگان مجلس خبرگان و شورای اسلامی ، وزراء و معاونین آنها ، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه ، سفرا ، دادستان و رئیس دیوان محاسبات ، دارندگان پایه قضائی ، استانداران ، فرمانداران و افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می باشد .</p> <p>۴- ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می شود :</p> <p>ماده ۸- قضات دادگاهها و دادرهای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکمصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و حکم قضیه مطروحه را صادر نمایند .</p> <p>۵- در ماده (۱۰) عبارت (( قاضی تحقیق )) حذف و عبارت (( دادرس علی البدل )) جانشین آن می شود .</p> <p>۶- ماده (۱۲) به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف و تبصره زیر جایگزین می شود :</p> <p>ماده ۱۲- در شهرستان ؛ رئیس دادگستری ؛ رئیس حوزه قضائی ؛ رئیس دادگاه است و در مراکز استان رئیس کل دادگستری استان ، رئیس کل دادگاههای تجدید نظر و کیفری استان است و بر کلیه دادگاهها و دادرها و دادگستریهای حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت . همچنین رئیس دادگستری هر حوزه بر دادرهای آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد .</p> <p>تبصره - هر قاضی منحصرأ می تواند در یک شعبه دادگاه انجام وظیفه نماید و صدور ابلاغ در بیش از یک شعبه دادگاه در یک زمان با هر عنوان برای یک نفر ممنوع می باشد .</p>	<p>۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷</p> <p>۸- قضات دادگاههای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکمصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و حکم قضیه مطروحه را صادر نمایند .</p> <p>ماده ۱۰- هر حوزه قضائی به تعداد لازم شعبه دادگاه ، قاضی تحقیق ، دفتر دادگاه ، واحد ابلاغ و اجراء احکام و در صورت لزوم یک واحد ارشاد و معاضدت قضائی خواهد داشت و در صورت تعدد شعب دارای یک دفتر کل نیز خواهد بود .</p> <p>تبصره - ترتیب تشکیل این واحدها ، تعداد اعضاء هر واحد ، طریقه انتخاب و شرایط آن ، میزان صلاحیت و اختیار هر واحد یا هر یک از اعضاء آن و نحوه اقدامات و تصمیم گیریها به موجب آئین نامه ای است که به پیشنهاد و تهیه وزیر دادگستری به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید .</p> <p>ماده ۱۲- رئیس حوزه قضائی هر شهرستان به عنوان رئیس دادگستری آن شهرستان بر کلیه دادگاههای عمومی و انقلاب نظارت و ریاست اداری دارد و همچنین رئیس دادگستری شهرستان مرکز استان نظارت و ریاست اداری بر امور دادگستریهای شهرستانهای حوزه آن استان را خواهد داشت .</p> <p>تبصره - امور حسبیه و کلیه اختیاراتی که در سایر قوانین بعهده دادستان عمومی بوده به جز اختیاراتی که به موجب این قانون به رؤسای محاکم تفویض شده است به رئیس دادگستری شهرستان و استان محول می شود .</p>

ماده ۱۲- نیروی انتظامی هر حوزه قضائی اعم از بخش یا شهرستان در مقام ضابط دادگستری تحت ریاست و نظارت رئیس همان حوزه انجام وظیفه نموده و مکلف به اجرای دستورات مقام قضائی میباشد.

۷- متن زیر جانشین مفاد ماده (۱۳) شده ، سه تبصره به عنوان تبصره های (۱) ، (۲) و (۳) به آن الحاق می گردد :

ماده ۱۳- برای تأمین کادر قضائی دادرسها ، رئیس قوه قضائیه از قضات تحقیق فعلی و دادرسان علی البدل دادگاهها و سایر قضاتی که مقتضی بداند استفاده خواهد نمود و شعبی از دادگاهها را که با تأسیس دادرسا غیر لازم تشخیص دهد منحل خواهد کرد و حتی الامکان حذف شعب اضافی از آخرین شعب دادگاهها انجام خواهد شد .

تبصره ۱- گروه شغلی (( دادستانها )) برابر گروه شغلی (( رئیس دادگستری شهرستان )) و گروه شغلی (( دادستان تهران )) برابر گروه شغلی (( رئیس کل دادگستری استان تهران )) خواهد بود .  
تبصره ۲- گروه شغلی (( معاون دادستان و بازپرس )) برابر گروه شغلی (( رئیس شعبه دادگاه عمومی )) و گروه شغلی (( دادیار )) برابر گروه شغلی (( دادرس علی البدل دادگاه )) خواهد بود .

تبصره ۳- رئیس کل دادگستری استان باید حداقل دارای ده قضائی و رئیس دادگستری هر حوزه قضائی باید حد اقل دارای پایه نه و ده سال سابقه کار قضائی و دادستان هر حوزه قضائی باید حداقل دارای پایه هشت و ده سال سابقه کار قضائی و رئیس شعبه تجدیدی نظر باید حداقل دارای پایه نه قضائی و رؤسای شعب باید دارای پایه هفت قضائی باشند .

۸- ماده (۱۴) و تبصره (۱) آن بشروح زیر اصلاح می شود :  
ماده ۱۴-

الف - دادگاههای عمومی حقوقی با حضور رئیس دادگاه و یا دادرس علی البدل تشکیل می شود و تمام اقدامات و تحقیقات به وسیله رئیس دادگاه یا دادرس علی البدل وفق قانون آئین دادرسی مربوط انجام می گردد و اتخاذ تصمیم قضائی و انشای رأی با قاضی دادگاه است .

ب - دادگاههای خانواده با حضور مشاور قضائی زن که دارای پایه قضائی است اقدام به رسیدگی نموده و نظر مشورتی آنان قبل از صدور حکم توسط رئیس دادگاه اخذ خواهد شد .

ج - دادگاههای عمومی جزائی و انقلاب با حضور رئیس دادگاه یا دادرس علی البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از دایاران به تعیین دادستان تشکیل می گردد و فقط به جرائم مندرج در کیفرخواست وفق قانون آئین دادرسی مربوط رسیدگی می نماید و انشای رأی پس از استماع نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او وفق قانون بر عهده قاضی دادگاه است .

تبصره ۱- هرگاه دادگاه نقصی در تحقیقات مشاهده نموده یا انجام اقدامی را لازم بداند ، خود تکمیل می نماید و نیز می تواند رفع نقض و تکمیل پرونده را بنا ذکر موارد نقض از دادرساری مربوط در خواست کند .

۹- ماده (۱۵) به شرح زیر اصلاح می گردد :

ماده ۱۵- دادرسان علی البدل عهده دار انجام کلیه اموری هستند که از طرف رؤسای دادگاهها در چار چوب قوانین به آنان ارجاع می شود و در غیاب رئیس شعبه دادگاه حسب تعیین رئیس کل دادگاهها شعبه بالامتصدی را تصدی و اداره می نمایند .

ماده ۱۴- دادگاههای عمومی با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی البدل تشکیل میشود و تمام اقدامات و تحقیقات ضروری از بدو تا ختم قضیه وسیله حاکم دادگاه صورت خواهد گرفت همچنین اظهار نظر قضائی و انشاء رأی با او است .

تبصره ۱- رعایت دستور این ماده مانع از آن نیست که بلافاصله موازین شرع و قانون باره ای از اقدامات و تحقیقات و تصمیمات به دستور و زیر نظر حاکم دادگاه وسیله قضات تحقیق بعمل آید یا بعضی از اقدامات و تحقیقات به همین ترتیب توسط ضابطین دادگستری یا مراجع ذیصلاح دیگر انجام شود .

تبصره ۲- هرگاه تحقیق و یا اقدامی در حوزه دادگاه دیگری لازم باشد یا اطلاعاتی از حوزه قضائی آن دادگاه باید جمع آوری شود دادگاه رسیدگی کننده می تواند با اعطاء نیابت قضائی از دادگاه آن حوزه انجام آن تحقیقات و اقدامات یا جمع آوری اطلاعات را بخواهد .

ماده ۱۵- قضات تحقیق تحت نظارت قضات دادگاههای حوزه قضائی عهده دار انجام کلیه اموری هستند که در جریان تعقیب و رسیدگی و اجرا به آنان ارجاع میشود .

۱۹۶  
گروه  
۱۵۷  
۱۵۸  
اجرا  
۱۰۵  
ع

نتیجه	موضوعه فعلی	قانون سال ۱۳۲۳
	<p>۱۰- متن زیر به عنوان ماده (۱۸) و تبصره های آن به قانون صدالذکر افزوده می شود.</p> <p>ماده ۱۸- آرای غیر قطعی و قابل تجدید نظر یا فرجام ، همان می باشد که در قوانین آیین دادرسی دادگاهها عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی و (۱۳۷۹/۱/۲۱) مجلس شورای اسلامی ذکر گردیده است . در مورد آرای قابل تجدید نظر یا فرجام ، تجدیدی نظر فرجام خواهی بر طبق مقررات آیین دادرسی مربوط انجام می شود . در مورد آرای قطعی ، جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی توان رسیدگی مجدد نمود مگر اینکه رأی ، خلاف بین قانون یا شرع باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه ( چه در امور مدنی و چه در امور کیفری ) و یا دادستان مربوط ( در امور کیفری ) ممکن است مورد تجدید نظر واقع شود .</p> <p>تبصره ۱- مراد از خلاف بین این است که رأی بر خلاف نص صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد .</p> <p>تبصره ۲- درخواست تجدید نظر نسبت به آراء قطعی مذکور در این ماده اعم از اینکه رأی در مرحله نخستین صادر شده و به علت انقضای مهلت تجدید نظر خواهی قطعی شده باشد یا قانوناً قطعی باشد و یا از مرجع تجدید نظر صادر گردیده باشد باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی به شعبه یا شعبی از دیوان عالی کشور که (( شعبه تشخیص )) نامیده می شود تقدیم گردد . شعبه تشخیص از پنج نفر از قضات دیوان مذکور به انتخاب رئیس قوه قضائیه تشکیل می شود .</p> <p>در صورتی که شعبه تشخیص وجود خلاف بین را احراز نماید، رأی را نقض و رأی مقتضی صادر می نماید . چنانچه وجود خلاف بین را احراز نکند ، قرار رد درخواست تجدید نظر خواهی را صادر خواهد نمود . تصمیمات یاد شده شعبه تشخیص در هر صورت قطعی و غیر قابل اعتراض می باشد .</p> <p>تبصره ۳- خواهان تجدید نظر باید هزینه تجدید نظر خواهی را وفق قانون پرداخت کند و چنانچه ظرف ده روز پس از اخطار دفتر شعبه تشخیص ، هزینه را پرداخت ننماید ، شعبه تشخیص قسراً رد درخواست او صادر خواهد نمود . این قرار قطعی و غیر قابل اعتراض می باشد . اگر تجدید نظر خواهی از سوی دادستان مربوط باشد ، دادستان از پرداخت هزینه دادرسی معاف است . این معافیت شامل سایر مواردی هم که دادستان تقاضای تجدید نظر نماید می باشد .</p> <p>تبصره ۴- از هیچ حکم قطعی یا قطعیت یافته بیش از یک بار نمی توان به عنوان خلاف بین درخواست تجدید نظر نمود .</p> <p>تبصره ۵- در مواردی که بر حسب قانون دیوان عالی کشور باید اعاده دادرسی را تجویز کند ، این امر با شعبه تشخیص مذکور در تبصره (۲) این ماده خواهد بود .</p>	<p>ماده ۱۸- آراء دادگاههای عمومی و انقلاب اعم از حکم یا قرار در موارد زیر نقض می شود :</p> <p>۱- قاضی صادر کننده رأی متوجه اشتباه رأی خود شود .</p> <p>۲- قاضی دیگری پی به اشتباه رأی صادره ببرد بنحوی که اگر به قاضی صادر کننده رأی تذکر دهد متنبه گردد .</p> <p>۳- ثابت شود قاضی صادر کننده رأی صلاحیت رسیدگی و انشاء رأی را نداشته است .</p> <p>تبصره - در مورد بندهای ۱ و ۲ مرجع تجدید نظر رأی را نقض و رسیدگی می نماید و در مورد بند ۳ مرجع تجدید نظر بدواً به اصل ادعای عدم صلاحیت رسیدگی و در صورت احراز ، رسیدگی مجدد را انجام خواهد داد .</p> <div style="text-align: right; margin-top: 20px;"> <p>رسید ۱۳۷۹ ۱۳۷۹ ۱۳۷۹ ۱۳۷۹</p> </div>

نتیجه	موضوعه فعلی	قانون سال ۱۳۷۳
	<p>۱۱- تبصره ذیل ماده (۲۰) حذف و دو تبصره زیر به آن ماده الحاق می گردد:</p> <p>تبصره ۱- رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی ابتدائاً در دادگاه تجدید نظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور (( دادگاه کیفری استان )) نامیده می شود. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب یا حبس دائم باشد از پنج نفر ( رئیس و چهار مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه تجدید نظر استان ) و برای رسیدگی به جنایاتی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو و جرائم مطبوعاتی و سیاسی باشد از سه نفر ( رئیس و دو مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه تجدید نظر استان ) تشکیل می شود و وفق مقررات قوانین محاکم جنائی - مصوب ۱۳۳۷ و ۱۳۳۹ - رسیدگی می نماید. دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی و سیاسی با حضور هیأت منصفه تشکیل خواهد شد.</p> <p>تبصره ۲- در شهرستان مرکز استان، رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان می باشد و رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی مرکز استان رئیس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود و در غیر مرکز استان رئیس هر حوزه قضائی، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی آن حوزه قضائی است.</p> <p>۱۲- ماده (۲۱) به شرح زیر اصلاح می شود:</p> <p>ماده ۲۱- مرجع تجدید نظر آراء قابل تجدید نظر دادگاههای عمومی حقوقی و جزائی انقلاب، دادگاه تجدید نظر استانی است که آن دادگاهها در حوزه قضائی آن استان قرار دارند. آراء دادگاههای کیفری استان و آن دسته از آراء دادگاههای تجدید نظر استان که قابل فرجام باشد ظرف مهلت مقرر برای تجدید نظر خواهی، قابل فرجام در دیوان عالی کشور است.</p>	<p>ماده ۲۰- بمنظور تجدید نظر در آراء دادگاههای عمومی و انقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدید نظر به تعداد مورد نیاز مرکب از یک نفر رئیس و دو عضو مستشار تشکیل میشود. جلسه دادگاه با حضور دو نفر عضو رسمیت یافته پس از رسیدگی ماهوی رأی اکثریت که بوسیله رئیس یا عضو مستشار انشاء میشود قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.</p> <p>تبصره - رئیس دادگاه تجدید نظر میتواند رئیس شعبه اول دادگاههای عمومی نیز باشد مگر در مورد احکامی که خود صادر نموده که در این صورت دادرس علی البدل به قائم مقامی رئیس رسیدگی خواهد کرد.</p> <p>ماده ۲۱- مرجع تجدید نظر آراء دادگاههای عمومی و انقلاب هر شهرستان دادگاه تجدید نظر مرکز همان استان است مگر در موارد ذیل که مرجع تجدید نظر آن دیوانعالی کشور خواهد بود.</p> <ol style="list-style-type: none"> <li>۱- اعدام و رجم.</li> <li>۲- قطع عضو قصاص نفس و اطراف.</li> <li>۳- مصادره و ضبط اموال.</li> <li>۴- مجازات حبس بیش از ده سال.</li> <li>۵- حکمی که خواسته آن از بیست میلیون ریال متجاوز باشد.</li> <li>۶- احکام راجع به اصل نکاح و طلاق.</li> <li>۷- احکام راجع به نسبت و وقف و حبس و تولیت.</li> </ol>

نتیجه	مصوبه فعلی	قانون سال ۱۳۷۳
	<p>۱۳- ماده (۲۲) و تبصره های آن بشرح زیر اصلاح می گردد:</p> <p>ماده ۲۲- رسیدگی دادگاه تجدید نظر استان به درخواست تجدید نظر از احکام قابل تجدید نظر دادگاههای عمومی جزائی و انقلاب وفق مقررات قانونی آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با حضور دادستان یا یکی از دادیاران یا معاونان وی به عمل می آید و در مورد آراء حقوقی وفق قانون آئین دادرسی مربوط خواهد بود.</p> <p>تبصره ۱- اگر در دادگاه تجدید نظر متهم بی گناه شناخته شود حکم بدوی فسخ و متهم تبرئه می گردد، هر چند که در خواست تجدید نظر نکرده باشد و در این صورت اگر متهم در زندان باشد فوراً آزاد می شود.</p> <p>تبصره ۲- هرگاه دادگاه تجدید نظر پس از رسیدگی محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تأیید حکم بدوی مستدلاً میتواند مجازات او را تخفیف دهد، هر چند که محکوم علیه تقاضای تجدید نظر نکرده باشد.</p> <p>تبصره ۳- در امور کیفری مرجع تجدید نظر نمی تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید کند، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی در خواست تجدید نظر کرده باشد.</p> <p>تبصره ۴- اگر حکم تجدید نظر خواسته از نظر محاسبه محکوم به یا خسارت یا تعیین مشخصات طرفهای دعوا یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه ای وارد نسازد، مرجع تجدید نظر با اصلاح حکم آن را تأیید می نماید و تذکر لازم را به دادگاه بدوی خواهد داد.</p> <p>۱۴- عبارت زیر به عنوان بند (ج) به قسمت (۲) ماده (۲۶) الحاق می گردد:</p> <p>ج - دادستان از حکم برائت یا محکومیت غیر قانونی متهم.</p> <p>۱۵- ماده ذیل جایگزین ماده (۳۸) می گردد:</p> <p>ماده ۳۸- دولت مکلف است در قالب قانون بودجه سالانه، اعتبارات لازم را برای تهیه وسایل و تجهیزات لازم و به کارگیری نیروی انسانی جهت اجرای این قانون تأمین نماید.</p> <p>۱۶- ماده ذیل به عنوان ماده (۳۹) الحاق می گردد:</p> <p>ماده ۳۹- از تاریخ اجرای این قانون در هر حوزه قضائی کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون در آن قسمت که مغایرت دارد در همان حوزه نسخ و لغو می شود.</p>	<p>ماده ۲۲- هر گاه از رأی دادگاه عمومی و انقلاب در اموری که در صلاحیت دادگاه تجدید نظر مرکز استان است درخواست تجدید نظر شود دادگاه مذکور به ترتیب زیر عمل خواهد نمود.</p> <p>۱- اگر رأی دادگاه بصورت قرار باشد و قرار نقض شود پرونده را برای رسیدگی ماهوی بهمان دادگاه ارجاع میدهد و دادگاه مکلف به رسیدگی ماهوی میباشد.</p> <p>۲- اگر رأی دادگاه بصورت حکم باشد و حکم مورد تأیید قرار گیرد بمنظور اجراء به دادگاه صادر کننده حکم اعاده میگردد و چنانچه حکم را نقض نماید رأساً مبادرت به رسیدگی و انشاء رأی خواهد کرد. رأی صادره قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.</p> <p>تبصره - چنانچه رئیس دادگاه تجدید نظر ریاست شعبه اول دادگاههای عمومی را عهده دار باشد ارجاع توسط دادگاه تجدید نظر انجام میگیرد و در غیر اینصورت پرونده پس از نقض بمنظور ارجاع به نظر رئیس شعبه اول خواهد رسید.</p> <p>۳- در صورتیکه متهم بی گناه شناخته شود حکم را نقض و متهم تبرئه خواهد شد هر چند محکوم علیه در خواست تجدید نظر نکرده باشد.</p> <p>۴- اگر حکم تجدید نظر خواسته از نظر احتساب محکوم به یا خسارت یا تعیین مشخصات طرفین دعوی یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون یا نقیصی نظیر آنها که متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه وارد نسازد دادگاه تجدید نظر یا دیوانعالی کشور که در مقام تجدید نظر عمل میکند اشتباه را رفع و رأی را تأیید خواهد نمود.</p> <p>تبصره ۱- در امور حقوقی شخصی مرجع تجدید نظر فقط نسبت به آنچه مسود در خواست تجدید نظر واقع شده است رسیدگی خواهد نمود و نسبت به آن قسمت که مورد درخواست تجدید نظر نمی باشد حق رسیدگی و اظهار نظر ندارد.</p> <p>تبصره ۲- در احکام کیفری مرجع تجدید نظر نمی تواند مجازات تعزیری مقرر در حکم بدوی را تشدید نماید.</p> <p>۵- هرگاه در تعیین مجازات سهواً به ماده دیگری استناد شده ولی از این اشتباه تغییری در مجازات حاصل نشده باشد مرجع تجدید نظر حکم را تأیید و تذکر لازم به دادگاه داده خواهد شد.</p> <p>ماده ۲۶-</p> <p>۲- در مورد امور کیفری:</p> <p>الف - محکوم علیه یا نماینده قانونی او.</p> <p>ب - شاکی خصوصی یا نماینده قانونی.</p> <p>ماده ۳۸- از تاریخ تشکیل دادگاه عمومی و انقلاب در هر حوزه قضائی کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن در همان حوزه لغو می گردد.</p>

تاریخ: ۱۳۸۱/۱۱/۱۵  
 شماره: ۲۱۶۱  
 دست نوشته